

عنوان

وزارت معارف

ریاست تعلیم و تربیه

مقالات وارده اعاده نمیشود
اسلاح و درج حق اداره است

اسد - ۱۳۱۵

آئینه عرفان

شرح اشراك

مجله علمی - ادبی، مصور، ماهانه

دوره دوم سال ششم

مرکز (۹) افغانی - عمرین دالمی
داخله (۱۰) * متعلمین
خارج (۴) کاداران معلمین

واحد فروشی، اشتراك شش ماهه ندارد

(نمره مسلسل ۸۰)

۱

علت وحدت ملت

هاشم شائق

پیوسته بشماره ۵ سال ۵

در صورتیکه این زبان با آوستا، پازند، زردشتی و سانسکریت، براهمانی و بودائی از يك خاندان بوده از قرون قدیمه تا امروز مراحل حیات می بیناید. هم اهمیت تاریخی دارد

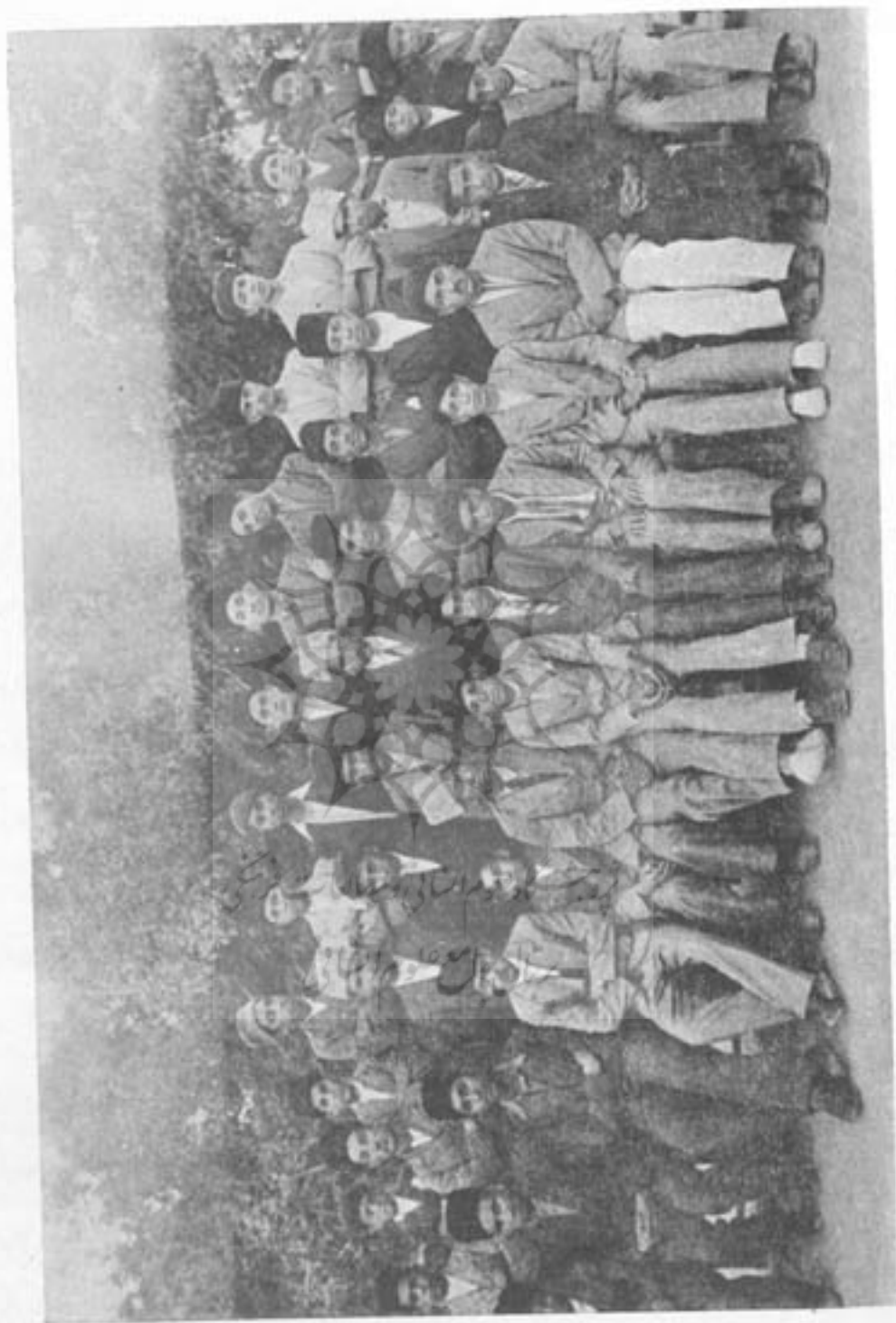
و هم اهمیت اجتماعی.

ولی از یکطرف غفلت کند شنگان، حمله ترکتاران و پانینکه تشکیلات زردشتیان، بالاخره سیاست حکمداران بعد از ظهور اسلام نگذاشت که آثار محرره این زبان جمع و تدوین یابد و مولفات مدونات پشتو از ضیاع محافظه شده دست بدست دوران کند. مخصوصاً حکمداران بنی طاهر، صفاری، سامانی، غزنوی و سلجوقی و ما بعد آنها در قید و ضبط و ترقی آن بنا براسبابیکه ملاحظه می شود مساعدت ننموده اند. چونکه این خاندانها در کشوری حکمرانی میکردند که به خراسان، سیستان، باختر و تخارستان و ماوراءالنهر

بر آمدند . مقامات و قصص نوشتند . علوم اسلامی را باین زبان آور دند . بنا بران بهم چشمی و یا به تقلید نیک بینانه تاریخ ، سیر و انساب عروض و قافیه بلاغت ، صرف و نحو فق و تفسیر ، کلام و حکمت ترجمه ، تالیف و تصنیف کردند .

اینست که آثار پشتوی قدیم و وسط در دسترس عموم بطور کلی پایدار نماند . آری بعد از اسلام چند نظم و بعضی حکایه های منثور را از دورهای غزنویان حافظه ها نمونه گویان بیاد دارد . ولی کتیبه های منقوره راجع باصالت این زبان تا امروز بامداد سر از خاک بیرون نمیکند که توسط آن آبدات این زمان عصر دیده را بافتخار ارائه توان نمود و فاصله های تاریخ وسطی را بان آثار املا توان کرد . و گرنه هیروودوت یونانی دو قرن پیشتر از اسکندر در آسیای وسطی آسواغان (سوار کاران) را شناخته و پاکتیا (مملکت علمداران) را دانسته بود . مگر بزبان پاکتهایی نبرده ولعت این قوم را ادراک نکرده پس که میتواند ادعا کند که پاکتیا موجود و پاکتیا نده اما زبان نداشتند و ندارند . باین میباید که دهان داشتند اما حرف نمیزدند . این ادعا مثل جملات فوق خنده آور است . در صورتیکه صرف و نحو مکمل این زبان از قرنها باینطرف مدون و متداول است و موجودیت این زبان نویسندگان و علمای خارج نیز قیمت مخصوص داده در محافل رسمی از آن هوا خواهی نموده مورد مطالعه میداند پس مولفات ومدونات این زبان کجاست و داستانها ئی که عنعنه دار از زبان ها بگوش ها و از قلبها نروی صفحات و زبانها دوران دارد اصل آن در کدام دقینه مدفون گردیده است ؟

جواب بعضی از این سوال ها را مسرودات فوق در ضمن تدابیر زر دشتیان غلغفت گذشتگان و سیاست حکمداران و جمله زور آوران شاید داده و قانع ساخته باشد .



طلاب و شدی مکتب حبیبیه - متعلق شمار : پنجم سال ۶ - آ ۶



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

علاوه برین مبارزهٔ حیات و اصطفاى اشیا مثل زندگانی عضویات السنه را نیز مطیع خود میدارد یعنی هرذی حیات ادامه خود را بر ضرر دیگران نمیکند. چنانچه انسان در سایهٔ احای نباتات و حیوانات سائره زندگى میکند.

اگر نبات را بر نکند و حیوان را شکار و یا ذبح نماید، چطور حیات خود را در عالم اسباب ادامه میدهد.

این دلائل عیناً بر قضیهٔ نموی زبان جایست. و قتیکه عاقبت نااندیشی و با عاقبت اندیشی (؟)

گذشتگان و سیاستمداران بزبان پارسی خواست حیات به بخشد از عمر و نموی پشتو اعاره حیات نمود و هر قدر رسمیت زبان پارسی کوشیده برواق و تکامل آن اهمیت داد از رونق و تکامل پشتو کاست و زبان ملیونها انسان، فدای همان قدر ملیون انسان دیگر گردید. در صورتیکه کلمات عدیدهٔ این دو زبان مشترک و از يك اصل بوده حکمداران این نکته را در نظر نگرفتند زبان پشتو از روی کمال نحوی و صرفی و از روی وسعت لغوی قابل هر گونه پرورش و لائق نقل و تالیف هر گونه آثار و بالجملة مستعدا بر ازو اظهار هر گونه اصطلاحات علمی و فنی است اگر عووض پارسی در آن عصر پشتو را پرورش میدادند این تقصیه که امروز محسوس میشود مضطربى ساخت و آثار محلهٔ را در آن مثل (کاتپاه آوستا زند و باز ند و ریک و بد) میتوان ضبط و قید نمود آنوقت از یکطرف در مقابل زردشتی و از طرف دیگر طرف بودائی قرار میگرفت و همچنین ممکن بود که یکی از علل انتشار بزرگ اسلام شود. و از رهگذر صرفی و نحوی و اهمیت مخاطبوی یکی از رقیبا و یا حفظه سیاست میکردید. چنانچه در پرورش زبان پارسی برای يك شاعر در بار سامانی و یا غزنوی هزاران دیوار با صدهاشتر و استرمال داده می شد اگر در پرورش زبان پشتو نیز بقسم آن رفتار میکردند

شک نبود که چندین رود کی فرخی و چندین دقیقی و فر دوسی پیدا می شد و آثار مغلد ایشان نیز چندین راف و کتبخانه را امر و زینت میداد .

کذا اگر جمعیت ها و فرد ها بدوق و قریحه خود قدری خصوصیت میدادند شاهکارهای جاویدانی بوجود میاوردند . علاوه برین کوه نشینان مفرور جنگ آور با ختری حیات حضری و زندگانی شهری را بر حیات سلحشوری اگر زیاده تر ترجیح میدادند و همه افکار خود را تنها برزم مخصوص نمیکردند در عالم بزم و حفله نیز دوا وین زیاد و آثار کرابهای تا ام و زدست بدست میگشت و اگر میخواهند هنگامه های می و معشوق و گل و بلبل درین زبان هم کم نبود اگر نمیدخواهند از اخلاق شجاعانه و طبیعت بهادرانه نیز صرف نظر نمایند .

اینست که پارسی زبان بزم شد و پشتو زبان رزم ماند . چون زبان بزم متردد و نرم و زبان رزم قطعی و درشت است لهذا بزبان ساکن و رزمیان متحرک میباشند . خلاصه پشتو نه از طرف حکومت و نه از طرف جمعیت با وجود اینکه حمایت ندید و پرورش نیافت یعنی آله سیاست و منفعت دیگران و دولتخواش آرزوی جهلانگیران نشد با اینهمه این زبان که در اصل مثل زبان پارسی امروزه نه خلیطه و نه پرورش یافته و نه آله سیاست و سیاست مداران بوده اما استقلال خود را درین ادوار تاریخی نباخته و از حوضه حیات بکلی بیرون نرفته است . اما ممکن است که استحالتهای چند در بنیه و شکل آن بطور طبیعی واقع شده باشد چونکه نمونه های سابق آن در دست نیست که مسأله آنرا مقابله نمود . اینقدر معلوم است که با همه حوادث روزگار دست و گریبان گردید . حیات خود را محافظه نموده است .

آری از عصر شاهزاده بعضی افراد ملت پرور با همبیت آن رسیده و اولاد اصیل برواق و تکامل آن پی برده از ورطه ناکامی و از کریه گو شه نشینی کشیده میخواستند؛ در تساند جمعیت و در تعاون ملت استعمال نمایند و حق مقصوبه آنرا از رقیب هم پایه خودش گرفته بدو بسپارند. این بود که خوش حالها و رحمانها و غیره نبوغ کرده منظوم و منشوری چند ساخته دیوانها مرتب کردند ولی این مجری افسوس که تعقیب نگردید و این عمل بعد از چندی باز بحال طبیعی خود گذارده شد. اما اکنون آن غفلت سپری شد و آن سیاست منقضی گردید. حالا وقت آن رسیده که نویسندگان جوان و منوران افغان این مرحله نیم پیموده را طی نموده شاهراهی در وحدت ملی بکشایند و ذوق و منفعت را در تکامل این زبان مصروف داشته افغانیت را اسم بامسمی بسازند از پستانی و پتانی کشیده افغان و افغانی معرفی بکنند.

خاصه درین دور که حکومت دوران پیش محبوب قابل صحیحی در احیای نام ملی و توجه مخصوص در تکامل قومی حس کرده و حس خود را بصورت عمل آوردن می خواهد. در محافل ادبی، علمی و اجتماعی و تربیتی نیز این نقیضه ادراک کرد بکنند در تلافی آن حاضر شد. این حس را باید تقدیس و تقدیر نمود و در ادای این مضامین اجتماعی را از همدستی تعلیم یافتگان و ذکای نو بسندگان آرزو باید کرد و فرصت را مغتنم باید شمرد.

اکنون در عملی ساختن این فلسفه اجتماعی از رهگذرهای ذیل میتوان اقدام کرد:
 يك انجمن بزرگ علمی و ادبی از سر برآوردگان ملی باید تشکیل کرد که در نقاط پشتوزبان و فارسی زبان نیز شعبه ها داشته باشد. اعضای این انجمن مرکب باشند از اشخاص ذیل:

انانکه، عالم این لسان باشند، باین صورت که اصول مخاطبه این زبان را باینک یادو
زبان دیگر مقایسه کرده بتوانند.

این انجمن بدو دسته منقسم شده اجرای وظیفه نماید:

دسته اول ذخائر رایج و غیر رایج این زبان را از میان اهالی داخل شده جمع بکنند. از قبیل
ضرب المثلها و محقرات منظوم دو بیتی، مثنوی غزل و قطعه و غیره شعرهای ملی با لجمه
منظوماتی که در میان اهالی دوران دارد. رزمی باشد یا بزمی! حکایه نیکه نفاقها بطور
منظوم یا منثور راجع بعروسی و عزاء، ضیافت، جشن، میله های موسمی، تبریک نامه های ولادت یا
مراسم اسم دادن بفرزند، سفر رفتن، تسلیتنامه و فاته یا امثال آن گذاراجع به مجالس صاحب جنگ
مخاکم و اصول محاکمه، جزاها و مکافاتهای ملی و عرفی.

علاوه برین اسم شعراء موسیقی دانها، بزم آرایان با لجمه صنعت کاران، بدیع
پسندان، علما و آرایه شنان، تصوف، فن و صنعت جنگ و پهلو اتی، فهرست
سالخوردگان که از پنجاه سال بالاتر عمر داشته باشند. فهرست قبائل و عشائر بکه
درین کشور بود و باش دارند و وجه مشترک آنها را با اصول معاشرت در بین خود با رسم
اشخاص و مراکز بود و باش آنها که با رسم و عنوان مخصوص جغرافی یاد میشوند، و اسم
نباتات و حیواناتی که در آن منطقه موجود می شود جمع نمایند.

علاوه برین آثار مطبوع که در خارج این کشور از طرف هم نژادان و یا نژاد شناسان
تخریر و تالیف گردیده و یا بصورت قلمی موجود میشود بدست باید آورد. همچنین آثار
مطبوع و غیر مطبوع که متعلق این زبان و نژاد از طرف علمای که درین زبان مهارت و علم
کسب نموده زبان های خارجی تالیف و نشر کرده اند جمع نموده شود.

وظیفهٔ دستهٔ دوم عبارت است از مواد ذیل :

پی در پی در تصنیف و تدوین دوسیه آنها مشغول شده ، این همه ذخائر را بصورت آثار محرره تالیف نمایند. تامستعد طبع و نشر بشود . ترجمه آثاریکه دسته اول از محیط خارج و بزبان غیر بدست آورده اند مطابق محیط اجتماعی این کشور نشر بکنند . خاصتاً در ترجمه و تالیف تاریخ باین زبان فوراً اقدام باید نمود .

علاوه برین در هر ماه یکمرتبه میان شعرای پشتو زبان داخل و خارج موضوعی را بمسابقه گذاشته به ثروت این زبان افزایند و قسمت منتخب آنرا بدست موسیقی دانها و اهل ساز داده حفظ باید کرد .

جوایز و مکافاتی برای کسانیکه در مسابقه اولیت کسب کرده اند و یا کسانیکه سراز امروز زبان پشتو بیاموزند ، بحکومت و دوائرت رسمی معرفی نموده مستحق نشان و مدال و امتیاز بگردانند .

آنانیکه بزبان پشتو آثار جدیدی باختر خود ترجمه و تالیف کرده اند تقدیر باید نمود . دسته دوم علاوه بر وظایف فوق از یکطرف در باب سهولت املا و خط حالیه پشتو راهها و تدبیرهای میسجند و حتی الامکان بامواجتن دیگران کوشش بکنند . از طرف دیگر بتدوین و ترتیب اصطلاحات رسمی از قبیل عنوانین دفاتر و دوائرت دولت و ملت و عنوان ماموریت سعی بنمایند ؛ تارفته رفته تمام مخدرات دفاتر ، صکوکات و سکهجات و اعلانات دایمی و باموقتی بیک و تیره آورده شود ، کذا اسم تجارخانه ها ، فابریکهای ملی بالجمله عنوان موسسات و اشیای اقتصادی واجتماعی و عرفانی و دینی نیز یک یک بهمین زبان می آید . علاوه بر این اصطلاحات علمی را جمع بمقدمه هر علم و فن انتخابات کرده

می شود که کم کم ثابت و رسمی گردد. عجباً لنا عوض پشتوو پشتون همان لفظ افغانی و افغان باید رائج گردد. وظائف مختلف این دو دسته را میتوان به وسائط ذیل انجام داد.

مطبعه سربی مکملی باید داشت که متضمن همه لوازم طباعت و صحاف باشد. کتبخانه که شعبات مختلف علم و ادب را در بر گیرد. سالونی که وقتاً وقتاً کنفرانس ها و اجلاس ها و درس های عمومی در آن جاری کرده شود.

علاوه برین بواسطه هیئت سیاری که از طرف این انجمن تشکیل میشود، بقدر امکان کوشش کرده شود که یک کورس زبان باصول برلتن تشکیل یافته در تدریس عملی آغاز بنمایند.

انجمن کوشش نماید که هر جا کم و مامور تا درجه مامور و سرکاتب در ظرف یک مدت معینه متکام باین زبان آگردند. و هر روز مکافات قابل قدری باشند.

گذا این انجمن عجباً یک کورس دو ساله باصول محاوره و تخریر و تدریس یک زبان در مرکز تشکیل کنند و طلبه آن مطابق درجه صنف ششم یا هفتم مدارس و دارالعلوم دارای لیاقت علمی باشند. بعد از تأمین معام اسباب تدریس و استراحت ایشان بکار آغاز کرده شود و عده این طلبه بالغ بر یکصد نفر باشد و این کورس لسان دو ساله شرط نیست که همه منتخب از اشخاص نوآموز پشتو باشند. بل مختلف باید بود.

چه آنان که نوآموزند زبان را باصول یکجای آموزشند و آنانکه زبانان میباشند اصول را با تکامل ادبی زبان یاد میگیرند. لهذا این کورس از دو قسم طلبه و بدو شعبه منقسم خواهد شد.

تعلیم یافتگان این کورس را فوراً در مناطق مختلف جهت تدریس، تقسیم و اعزام

باید کرد .

همچنین يك ستون تمام اخبار ها و د و صفحه از تمام مجلات بخط بر جسته
اگر از همین تاریخ با موافقت مدیران اخبار و مجلات به پشتو نشر نمایند برای پیشرفت
این مقصد معاونت خوبی خواهد کرد .

این نکته را در اینجا خاطر نشان ارباب علم و عرفان ملی باید نمود که منوران و اهل قلم
که قبشان از احساسات ملی و هیجانات اجتماعی مملو باشند مواد فوق را وظیفه خود
خواهند دانست. چه اقدام هر عمل را از قوه حکومت توقع کرده تمام بار جمعیت را
بدوش آن نباید گذاشت . چونکه اصل وظیفه اساسی حکومت تامین آسایش عمومی
و محافظه استقلال سیاسی و اقتصادی بوده در قدم اول تعلیم و تربیه افراد و تجهیز ساختن
آن برای این مطلب با هر گونه وسائط مادی و معنوی صورت میگیرد .

آری در هر قرن حکومتها طوری که امروز می بینیم : با ملت توجید مساعی کرده
همیشه کامیاب می شدند و آنکه با ملت توجید مساعی نکرده در هر خاک ناکام مانده و
یا از بین رفته است .

اکنون طوریکه در هر شعبه کار جامعه افغانی از حکومت مصلح تأسی کرده می شود
و بعبارت دیگر حکومت و ملت متمم یکدیگرند بدرین مسئله اجتماعی که یکی از عماد حیات
ملی شمرده می شود با همان اصول و شرائط و با همان حرارت که اکثریا احتیاج در نظر
گرفته کار کرده می شود بدرین مسئله نیز باید چنین پیچید . چونکه فرد حیات پر افتخار
خود را در ضمن زندگانی با شرف جمعیت حاصل کرده می تواند و بس .

چنانچه جوانان و فاضلان قند هار و این ارا کوسپا برای تمام منوران

افغان سر مشق داده با نمجن خیریه تشکیل کرده چندین جلد کتاب برای اجبا و تکامل این زبان ملی در عالم مطبوعات از جیب محبت خود اهدا نموده و بر کتب خانه ملی سرمایه ها داده آبروی خاطر خواهی حاصل نموده اند . اینک قدم اول در وحدت ملت و اصول آخر در تطبیق عادت آن .



ت فریبگی

افغان